

Methodology for Responding to Doubts in the Thought and Works of Allama Tabatabai and a Brief Look at Some of His Responses to Doubts

Received date: 2024/05/26

Accepted date: 2024/08/26

Amirali Hasanloo*

Hamid Karimi**

Abstract

In an era marked by intense attacks on religion, beliefs, and religious foundations, Allama Tabatabai emerged as a staunch defender of religion, providing responses to significant and fundamental doubts. He trained a group of students who, like himself, engaged in defending religion and addressing doubts across various fields at a time when members of the Tudeh Party and Orientalists were actively challenging people's beliefs. The scope of Allama Tabatabai's scholarly contributions and his scientific methodologies requires further research and critical analysis. This insightful jurist realized in his time that to answer doubts, scientific tools should be used wisely with practical methods. Therefore, in this field, he focused on fundamental works before anything else: 1- Content production based on religious foundations (the Quran and Sunnah) 2- Training wise students 3- Strengthening the rational foundation of religion at the elite level 4- Holding exchange of ideas sessions with other thinkers 5- Connecting with the Western world to fundamentally understand Western thoughts and ideas.

Keywords: Methodology, answering to doubts, Allameh Tabatabai, Quran.

*PhD Student of history of Islam of University of Islamic Denominations.

Email: hasanloo1349@yahoo.com

** Associate Professor of Iran University of Science and Technology (IUST).

Email: karymi@iust.ac.ir

فصلية علمية محكمة
مطالعات شبهه پژوهی
السنة الأول، الرقم الثالث، ربيع ١٤٤٥ هـ ق

منهجية الرد على الشبهات في فكر العلامة الطباطبائي ولمحة على بعض ردوده على الشبهات

_____ أمير علي حسنلو*
_____ حميد كريمي**

الملخص

٥٠

في الوقت الذي كانت فيه الهجمات الواسعة على الدين والمعتقدات والأسس الدينية في ذروتها، دافع العلامة الطباطبائي عن الدين ورد على شبهات مهمة ورئيسية، بل قام بتدريب مجموعة من الطلاب الذين قاموا مثله بالدفاع عن الدين والرد على الشبهات في العصر الذي هاجم فيه الجماهير والمستشرقون على معتقدات الناس؛ فإن أبعاد الخدمات العلمية للعلامة الطباطبائي ومناهجه العلمية تحتاج إلى بحث ومراجعة؛ وقد أدرك هذا الفقيه الحكيم أنه يجب الاستفادة من الأساليب العملية للرد على الشبهات من خلال الأدوات العلمية الحكيمة؛ لذلك تناول في هذا الصدد مهاماً أساسية وهي: ١. إنتاج محتوى يعتمد على الأسس الدينية (القرآن والسنة)، و٢. تدريب الطلاب الحكماء؛ و٣. تعزيز الأساس العقلاني للدين على مستوى النخبة، و٤. عقد لقاءات لتبادل الأفكار مع المفكرين الآخرين، و٥. التواصل مع العالم الغربي لفهم أساسى للأفكار الغربية.

الكلمات المفتاحية: طريقة للإجابة على الشبهات، الشبهات والأسئلة، علامة الطباطبائي.

* دكتوراه في التاريخ الإسلامية من جامعة مذهب الإسلامية. الإيميل: hasanloo1349@yahoo.com

** أستاذ مشارك في جامعة العلم و الصنعة. الإيميل: karymi@iust.ac.ir

شبهه پژوهی

سال اول / شماره سوم / بهار ١٤٠٣

نشریه علمی پژوهشی
مطالعات شبهه‌پژوهی
سال اول، بهار ۱۴۰۳، ش ۳
مقاله پژوهشی

روش‌شناسی پاسخ به شبهات در اندیشه و آثار علامه طباطبایی رحمته‌الله و نگاهی به برخی از پاسخ‌های ایشان به شبهات

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۰۶ تاریخ تأیید: ۱۴۰۳/۰۶/۰۵

امیرعلی حسنلو*

حمید کریمی**

چکیده

علامه طباطبایی در روزگاری که حجم‌های وسیع به دین، اعتقادات و مبانی دینی در اوج بود، به دفاع از دین پرداخت و به شبهات مهم و کلیدی پاسخ داد و گروهی از شاگردان را تربیت کرد. ایشان در زمینه‌های مختلف، روزگاری که به دفاع از دین و پاسخ به شبهات پرداختند. ابعاد خدمات علمی علامه طباطبایی و روش‌های علمی او نیازمند تحقیق و بازبینی است. این فقیه حکیم در روزگار خود تشخیص داد که برای پاسخگویی به شبهات از ابزارهای علمی خردمندانه با روش‌های کاربردی باید استفاده شود؛ از این رو در این عرصه قبل از هر چیز به چند کار اساسی پرداخت: ۱. تولید محتوا با تکیه بر مبانی دینی (قرآن و سنت)؛ ۲. تربیت شاگردان حکیم؛ ۳. تقویت بنیه عقلانی دین در سطح نخبگان؛ ۴. برگزاری جلسات تبادل افکار با اندیشمندان دیگر؛ ۵. ارتباط با جهان غرب جهت شناخت اندیشه‌های جهان غرب. واژگان کلیدی: روش‌شناسی، پاسخ به شبهات، علامه طباطبایی، قرآن.

* دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه مذاهب اسلامی. hasanloo1349@yahoo.com

** دانشیار دانشگاه علم و صنعت ایران. karymi@iust.ac.ir

مقدمه

منظور از روش‌شناسی پاسخگویی به شبهات در اندیشه و آثار علامه طباطبایی توجه به روش‌ها و ابتکارات ایشان در مقابله با شبهات دینی است. بی تردید مرحوم علامه یکی از برجسته‌ترین متفکران معاصر است که در ضمن آثار متعدد و ارزشمند خود هر جا که آموزه‌ها و مبانی دینی مورد اشکال و تردید قرار گرفته، وارد میدان شده و از حریم دین دفاع نموده است. ایشان در مواجهه با شبهات و اشکالات و مکاتب فکری باطل، سبک خاصی داشته‌اند که باید مورد دقت و بررسی قرار گیرد.

پرداختن به روش‌شناسی پاسخگویی به شبهات از جهاتی یک ضرورت عصر حاضر است؛ چراکه شناخت روش‌ها و کاربردی کردن آنها راه میان‌بری برای مقابله و واکنش سریع در مقابل شبهات و همچنین موضع‌تهاجمی در مقابل شبهات است چنان‌که علامه طباطبایی عمل کرده است. همچنین از جهات دیگر روش‌شناسی دارای اهمیت است و پرداختن به آن ضرورت دارد؛ ازجمله شناخت روش بزرگان و حکما و فلاسفه، نوعی آموختن و انتقال تجارب موفق است که می‌توان از آن برای ایجاد سپردفاعی در جنگ فرهنگی دشمن علیه دین و مکتب بهره برد. در تاریخ معاصر علامه طباطبایی در پاسخ به شبهات دینی، فردی بوده است که به‌طور منسجم و روشمند، در پاسخ به شبهات اقدام کرده است. نوآوری‌های علامه در پاسخ‌دهی نیز قابل توجه و تأمل است؛ ازجمله استفاده گسترده از روش‌ها و سیره اهل‌بیت (علیهم‌السلام) در پاسخ‌دهی و استفاده از منطق قرآن و پیامبران الهی در پاسخ‌دهی به شبهات و ابهامات است. تسلطی که علامه در مسئله شناخت با توجه به عقلانیت و حکمت و تجربه‌ای که دارد، نیز یک امتیاز بزرگی است که در روش پاسخ علامه به شبهات بسیار برجسته است.

حوزه‌های علمیه که میراث واقعی و عینی مکتب اهل‌بیت (علیهم‌السلام) است، در طول تاریخ تأسیس خود، با الهام از مشی و سیره اهل‌بیت (علیهم‌السلام) در پاسخگویی به شبهات اولین نهاد فرهنگی بوده است که نقش بسیار گسترده و بی‌نظیری در پاسخگویی به شبهات و حل

معضلات فرهنگی و تغذیه فکری جامعه انجام داده است. حوزه‌های علمیه تنها نهاد فرهنگی است که متکفل پاسخگویی به شبهات دینی می‌باشد. در دوره غیبت، علمای برخاسته و تربیت شده از حوزه‌ها، ضمن اینکه در آموزش دین تکلیف الهی داشته و همچون انبیای الهی در این راستا مجاهدت‌های عظیم برعهده داشته‌اند، به شبهات وارده بر دین و باورهای مردم نیز پاسخ داده‌اند و کتاب‌هایی در این زمینه نوشته‌اند؛ از جمله علمای بزرگ که در دوره آغازین غیبت کبری به شبهات پاسخ داده، شیخ مفید است. شیخ مفید به شبهات و سؤالات احکام دینی که در آن زمان مطرح بود، پاسخ گفته است. از جمله آثار شیخ مفید پاسخ به سؤالات مردم شهرهای مختلف از جمله شهر ساری است که با عنوان *مسائل السارویه فرائض شرعیه، ایمان ابی طالب، مسائل اهل خلاف، الإيضاح فی الإمامة، الإرشاد، کشف السرائر* .. (نجاشی، ۱۴۱۸، ص ۳۹۹). همه این آثار با محوریت پاسخ به شبهات بوده است.

چنان که علمای سلف همچون شیخ مفید، ابن قبه، سید رضی، شیخ طوسی، خواجه طوسی و علامه حلی در پاسخگویی به شبهات با تمام همت و توان کوشیدند و شبهات مختلف را که در جهت تخریب باورهای مردم و دین تولید می‌شد، پاسخ داده‌اند.

۱. اهمیت پاسخ به شبهات در اندیشه علامه طباطبایی

علامه طباطبایی در پاسخ به شبهات از پیشگام‌ترین دانشمندان معاصر شیعه است که در پاسخ‌دهی به شبهات تمام تلاش و حیات خود را در این راه نثار و ایثار کرد؛ اهتمام علامه در راستای پاسخگویی به شبهات مستشرقین و وهابیت در دفاع از مکتب اهل بیت علیهم السلام و قرآن و اندیشه شیعه، بسیار وسیع و پرثمر بود. علامه در حقیقت به دفاع از ساحت دین به تبعیت از ائمه اهل بیت علیهم السلام همت نهاد.

بدون شک در دورانی که هجوم گسترده‌ای از سوی مکاتب مادی و بشری، مانند مارکسیسم اعتقادات جوانان مسلمان را نشانه گرفته بود، تفکر و اندیشه‌های علمایی

مانند شهید مطهری و علامه طباطبایی بود که با رویکرد عقلی توانست در برابر این شبهات و انحرافات سدی مستحکم بنا کند؛ به طوری که پس از سال‌ها هنوز کلامشان تازه و قابل استفاده است. شناخت شبهه، فهم چیستی و گستره تأثیرگذاری شبهه، خاستگاه، قلمرو و معیار آن و جریان‌شناسی شبهات، در روش علامه و نقش علامه طباطبایی در پاسخگویی به شبهات بسیار اهمیت داشت؛ چراکه علامه با رویکرد معرفت‌شناسی در پاسخ به شبهات، نگاهی دقیق داشت.

بخشی از تلاش‌های علامه در برابر ایدئولوژی‌های مارکسیستی و نیز لیبرالیستی بود که در آن زمان مطرح بود و از این مبانی فکری شبهاتی در ذهن جوانان ایجاد می‌شد، علامه طباطبایی نه تنها به آنها پاسخ می‌داد، بلکه موضع تهاجمی نیز داشت. نقدهایی که علامه طباطبایی بر مبانی مدرنیته مثل تفکر امانیستی و نسبی‌گرایی در حوزه معرفت‌شناسی داشت، یک رویکرد تهاجمی بود؛ بنابراین اهمیت پاسخ به شبهه با رویکرد تهاجمی برای علامه یک اصل بود و آثاری در همین زمینه با همکاری برخی شاگردان فراهم کرد که در آنها به بنیان‌های تفکر غربی تاخت. علامه با این مهارت هم شبهه را پاسخ می‌دهد و هم بنای جریان‌های شبهه‌گر را سست و بی‌پایه می‌کرد.

۲. روش‌های نوآورانه علامه در پاسخ‌دهی به شبهات

علامه طباطبایی در پاسخگویی به شبهات دین در بیشتر گرایش‌ها و علوم مختلف تلاش فراوان کرد و همانند ائمه طاهرين با تمام وجود دفاع از دین را تکلیف الهی خود تلقی می‌کرد. نگاه تکلیف‌محور علامه به دفاع از دین، این فقیه و حکیم الهی را بر آن داشت در تمام عرصه‌ها، با توجه به جامعیت و علمیت گسترده‌ای که داشت، در پاسخگویی به شبهات، تمام تلاش خود را صرف کند.

بدون هیچ مبالغه و گزافه‌گویی باید گفت علامه طباطبایی در پاسخگویی به شبهات در زمان حیات علمی خود، به‌ویژه پس از حضور در حوزه علمیه قم، یکه و تنها به اندازه

چندین نهاد فرهنگی کار و تلاش کرد و با دست خالی و با حمایت‌های اندک برخی از خیرین مردمی، به نحو معجزه‌آسا به تمام این شبهات در سطح عالی پاسخ داد. روش‌های مبدعانه علامه در پاسخ‌دهی یکی از خدمات اوست که جای تأمل و تبیین دارد. چنان‌که در علوم هم‌چون تفسیر، فلسفه و حدیث ابداعاتی مطابق با اقتضائات زمان دارد؛ در پاسخ‌دهی به شبهات نیز ابداعات و روش‌های نوین عقلانی و منطقی به کار بست که نیازمند توجه خاص جهت الگوگیری متصدیان پاسخگویی به شبهات در حوزه‌های علمیه است. کوشش‌های علمی علامه تنها در زمینه کرسی تدریس خلاصه نشد؛ بلکه آن مرد وارسته خود به صورت جهادی به تمام معنا در روزگاری که هجمه‌های وسیع به دین و اعتقادات و مبانی دینی می‌شد، به دفاع از دین پرداخت و به شبهات گوناگون حتی سؤالات اعتقادی مردم عادی پاسخ داد؛ با تلاش شاگردان گوشه‌هایی از آثار این تلاش‌ها منعکس شده و باقی مانده است. در روش‌شناسی علامه به این تلاش زیبا برمی‌خوریم که او پاسخ به شبهات را در کنار وظیفه تعلیم به‌عنوان یک وظیفه مهم در ضمن وظایف یک حوزوی، دنبال می‌کند. در این راستا گروهی از شاگردان را تربیت کرد که در این عرصه بی‌بدیل و سرآمد بوده‌اند. این طیف از شاگردان علامه چونان خود ایشان و در کنار این مرد وارسته و پارسا، در زمینه‌های مختلف در روزگاری که توده‌ای‌ها و لائیک‌ها و ملحدین و مستشرقان به باورها و اعتقادات مردم یورش سهمگین و سیل‌آسا کرده بودند، به دفاع از دین و پاسخ به شبهات پرداختند.

ابعاد خدمات علمی علامه طباطبائی و روش‌ها و ابداعات فکری این مرد بزرگ، با وجود برگزاری مجالس نکوداشت متعدد، تاکنون به درستی و کامل شناخته نشده است. این بعد از خدمات دینی و فرهنگی او همچنان نیازمند تحقیق و بازبینی دقیق و کامل است؛ چرا که شناساندن و معرفت به این شجره معرفتی پرثمر خود در پیشگیری از هجمه‌های فرهنگی و شیوع و گسترش شبهات و ناهنجاری‌های علمی و عملی بسیار مؤثر است (موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ص ۲۲۳) این فقیه حکیم در روزگار خود

این گونه تشخیص داد که برای پاسخگویی به شبهات از هر ابزار علمی خردمندانه با روش‌های کاربردی باید استفاده کرد. کاربرد خرد و عقل در تشخیص راه درست که در قرآن کریم به این مهم توجه ویژه شده، مورد عنایت ایشان است (موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ص ۲۲۳) بر این اساس تقویت علوم حوزوی از جهت بنیه عقلانی یکی از روش‌های علمی ایشان است؛ چنان که در این راستا اقدام به نوشتن کتاب‌های فلسفی جهت تدریس در سطوح اولیه برای محصلان جوان می‌کند. خلق و نوشتن مبدعانه دو کتاب *بدایة الحکمة و نهایة الحکمة* نمونه بارزی از رهاوردهای این مرد بزرگ است. هم چنین در عرفان و علوم شرعی که نگاه خاص عرفانی او بر مدار مبانی حدیثی اهل بیت (علیهم‌السلام) است نیز رساله‌ها و آثاری نوشته است؛ از جمله *آنها رسالته الولا یة* می‌باشد. از این رو می‌توان گفت علامه در راه تقویت باورهای دینی به کارهای زیربنایی توجه خاص داشت و در این باره نوآوری‌هایی اساسی داشت تا حوزه‌های علمیه را از هر جهت به پشتوانه‌های عقلی قرآن محور با نگاه اهل بیت (علیهم‌السلام) تجهیز کند و در این گام بزرگ موفق نیز شد. علامه با شناخت کامل از زمانه و نوع شبهاتی که به تمامیت دین و باورهای دینی در این روزگار وارد می‌گردید به خوبی دریافت که رویکرد عقلانی عمیق در تمام عرصه‌های دین، در پاسخگویی به نیازهای زمانه و شبهات پیش رو ضرورت دارد و بسیار مهم و کارساز است. علامه این نگاه را چنان که نگاه قرآن است در تمام زمینه‌های علمی و گرایش‌های لازم می‌دانست؛ در زمینه فقه، علوم قرآن، تفسیر، عرفان، فلسفه، کلام و معرفت و گرایش‌ها و شاخه‌های نظری دیگری چون توحید و امامت و همه علوم رایج زمان. این یکی از نگاه‌های مبتکرانه علامه بود؛ اگرچه سابقه و پیشینه این نگاه در گذشته در میان علمای اسلام به‌ویژه علمای شیعه را نمی‌توان انکار کرد، اما نگاه و عملکرد علامه با جدیت نهادینه شد. در این زمانه اگر نگاه خاص علامه نبود، بسیاری از گرایش‌های عقلی در علوم به کلی فراموش می‌شد، این علوم از رده خارج و مندرس می‌گردید و آسیب‌های جبران‌ناپذیری به ابعاد مختلف دین وارد می‌شد.

این روش علامه را تنها در مقیاس رفتارهای اهل بیت (علیهم السلام) در دفاع از دین می‌توان مورد سنجه قرار داد. اگر تحولات علمی و فکری تاریخ اسلام را ورق بزنیم در مقاطعی دین بر اثر انحرافات خلفای مدعی، ناکارآمدی آنان و شبهات وارده، در معرض پرتگاه سقوط و نابودی و انحطاط کامل قرار گرفته بود ولی اقدام‌های عالمانه و معجزه‌آسای ائمه اهل بیت (علیهم السلام)، دین و اهل دین را نجات داده است؛ حتی گاهی علوم اسلامی در معرض نابودی و اندراس قرار گرفته، اما با حضور امام معصوم تمامیت دین از این ورطه و انحطاط رها شده است. اگر شبهات اهل کتاب را که هیچ کس از صحابه قادر به پاسخ نبودند امیر مومنان (علیه السلام) پاسخ نمی‌داد (شیخ مفید، ۱۴۱۳، ص ۲۰۱). عقاید مردم در آغاز راه، در معرض خطر جدی و ارتداد قرار می‌گرفت. حضور امام رضا (علیه السلام) در

۵۷

ایران پس از پذیرش اجباری ولایتعهدی و جلسات مناظره و گفت‌وگوهای بین‌الادیانی آن حضرت، اسلام و مکتب امامت را در برابر شبهات نحله‌های فکری بیش از پیش اقتدار بخشید؛ پس از مباحثه پیامبر، مناظرات امام رضا (علیه السلام) با رهبران ادیان موفقیت دیگری برای اسلام و اثبات حقانیت بود (اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۶، ص ۳۱) نقش علامه و روش‌های او را در دفاع و حفظ دین و پاسخ‌دهی به شبهات باید در این میزان و مقیاس مورد سنجه و تبیین قرار داد.

این حکیم فقیه در زمینه علوم انسانی و اسلامی ضمن اینکه نوآوری‌های فراوان داشت، نگاه روشمند به بازتبیین منابع و متون دینی نیز یکی از دغدغه‌های همیشگی او بود. علامه در پاسخگویی به شبهات دینی در زمینه علوم مختلف از جمله در این موارد پرداخت: (۱) تاریخ و سیره اهل بیت (علیهم السلام)؛ (۲) تفسیر و علوم قرآنی؛ (۳) علوم حدیث و شاخه‌های مرتبط؛ (۴) علم فقه و احکام و شاخه‌های مرتبط؛ (۵) علم فلسفه، حکمت، کلام و زیرشاخه‌های کلام از توحید تا نبوت، امامت، معاد، انسان‌شناسی و...؛ بنابراین می‌توان گفت که با تمام توان وجودی خود به دفاع از دین و دفع شبهات دینی اقدام و همت داشت.

پیش‌گفتار

علامه در راستای پاسخ به شبهات دینی در این زمانه، از روش‌های مختلفی بهره گرفتند؛ از جمله روش‌های علامه در پاسخ به شبهات عبارت بود از:

۱. روش حکمی و کلامی در قالب سنتی و علمی

استفاده از روش‌های حکمای گذشته و تجارب علمی آنان و بهره‌گیری از روش‌های قدمای پیشین، از آن جهت که به روش‌های آنان احاطه و شناخت و تسلط علمی بی‌نظیری داشت. علامه از روش‌های کلامی سنتی متکلمین در پاسخ به شبهات بهره برده است. همچنین از حکمت‌های تجربی حکمای اسلامی به‌ویژه از علوم و دانش‌های حکمی مقتبس از قرآن، کلام و سیره معصومین (علیهم‌السلام) به وفور در پاسخ به شبهات استفاده کرده است. از این رو جامعیت پاسخ‌های علامه در آثارش نسبت به پاسخ‌های تک‌بعدی دیگران، مشهود است.

۲. استفاده از روش‌های فلسفی نوین

علامه در پاسخ به شبهات به همه روش‌های فلسفی از افلاطون و ارسطو تا ابن سینا و فارابی و ملا صدرا احاطه داشت و آثار همه این اندیشمندان برای علامه شناخته شده بود؛ بنابراین جامعیت روش شناختی علامه با احاطه خاص در آثارش تبلور دارد.

علامه طباطبایی، اولین فیلسوفی است که به دلیل شبهات معرفت‌شناسی، مسایل شناخت‌شناسی را به یک حوزه مستقل فلسفی تبدیل کرد. ایشان در مقالات دوم تا ششم کتاب اصول فلسفه و روش رئالیسم مباحث معرفت‌شناسانه بدیعی در فلسفه طرح کرد که مقدمه قدم‌های دیگری برای شاگردان همچون شهید مطهری شد. آنچه در نوشته‌های ایشان مهم به نظر می‌رسد تکیه ایشان بر علم حضوری و ارجاع همه علوم حصولی به علوم حضوری است. این مطلب پاسخ شبهه امثال هیوم و کانت بود که مفاهیم علت و معلول و امثال آن را به دلیل حسی نبودن، یا مفهوم

ساختگی قلمداد کردند یا قالب ذهنی به حساب آوردند. روشن است که اگر این مفاهیم ساخته ذهن، یا قالب ذهن باشند، مشکل واقع‌نمایی و مطابقت آنها با واقع مطرح می‌شود و شبهات خاصی را به همراه خواهد داشت؛ در حالی که اگر یک منشأ واقعی و حقیقی برای این مفاهیم ارائه گردد، و روشن شود که مفاهیم ذهنی ساخته ذهن یا قالب‌های مقدم بر علم نیستند، آنگاه تبیین بحث مطابقت و رفع شبهات در این باب آسان می‌شود.

۳. استفاده از روش‌های عقلانی

دستاورد‌های عقلانی هر دانشمند حاصل تلاش و تفکرات شخصی اوست. علامه یک متفکر به تمام معناست. در این زمینه آثاری دارد که با مطالعات همه آثار حکمی و فلسفی قدما و تفکر بر روی این آثار منجر به تولیدات عقلانی مستقل از سوی علامه و در واقع ابداعات این فیلسوف بزرگ شده است؛ کتاب‌هایی چون *بداية الحکمه و نهایة الحکمه* در واقع حاصل تفکر خود علامه است. این دو کتاب ضمن اینکه یک دوره ممتاز آموزش فلسفه است، درس و تدریس فلسفه را به‌طور ضمنی در حوزه علمیه نهادینه می‌کند. علامه طباطبایی با نوشتن این دو اثر، شاخه علوم عقلی را در حوزه علمیه تقویت کرده است؛ علامه نشان داد اگر علوم عقلی در حوزه و میان علوم اسلامی نهادینه نشود، توان پاسخگویی به شبهات و مسائل جدید با فرسایش مخاطره‌آمیز مواجه خواهد بود؛ این نگاه و روش علامه با توجه به شناخت عقلانی عمیق اوست که از جامعه و جوانان این زمانه دریافت کرده است.

۴. روش استدلال نقلی

رویکرد دیگر علامه در پاسخ به پاره‌ای از شبهات به روش‌های استنادی نقلی است که نمود احاطه و شناخت احادیث و گزاره‌های روایی و تسلط بر قرآن او در این عرصه است. علامه به چه درجه‌ای از شناخت در حدیث دست یافته است که این‌گونه با تبحر خاص از علم‌الحديث در مباحث علمی بهره‌مند است؛ در

شرح‌الحديث و تبیین محتوا و مضمون حدیث و شناخت سند و روایات حدیث و اعتبار و مقبولیت احادیث نیز چنان‌که از شرح نیمه‌تمامی که بر بحارالانوار دارد، عینیت یافته است. همین شناخت و تبحر کافی، عاملی است که علامه را در پاسخ به شبهات به روش روایی و قرآنی سوق می‌دهد، علامه در تفسیر قرآن به مآثور و قرآن به قرآن از همین روش بهره‌مند است که از ابداعات علامه است که از مقبولیت بالایی برخوردار شده است.

افزون بر روش‌های فوق، علامه اقدامات عملی دیگری در زمینه پاسخگویی به شبهات به کار بسته است که اشاره کوتاهی به این اقدامات می‌شود؛ اقدامات اساسی علامه در پاسخ به شبهات در این محورها بود:

۱. تولید محتوا با تکیه بر مبانی دینی (قرآن و سنت)؛

۲. اهتمام به تعلیم و تربیت و نهال کاری در عرصه‌های علمی؛

۳. تقویت بنیه عقلانی دین در سطح نخبگان؛

۴. برگزاری جلسات تبادل افکار و تضارب آرا؛

ارتباط مستقیم با جهان غرب، جهت شناخت اساسی افکار و اندیشه‌های جهان غرب و جریان استشراق؛ این جنبه از تلاش علامه که بسیار ماهرانه بود برای شناخت مستقیم نگاه غرب به اسلام و شناخت منشأ شبهاتی بود که از سوی غرب به اسلام و باورهای دینی وارد می‌شد؛ در این زمینه از ارتباط با هانری کرین فرانسوی به اشتیاق استقبال کرد. ضمن اینکه عرفان شیعی را به او تعلیم داد و نگاه او را به شیعه اصلاح و دگرگون کرد و او را به نهاد و کانون امامت در اسلام رهنمون نمود، برداشت و نگاه غلط او را اصلاح کرد؛ چرا که کربن به صوفیه و قطب جذب شده بود و شیعه را از طریق تصوف دریافته بود. علامه نگاه او به مکتب را با معرفی اهل بیت (علیهم‌السلام) تغییر داد؛ این خود رفع شبهه و دفع توهم نادرست در اسلام‌شناسی و مطالعات شیعی استشراق بود؛ و این انگیزه رفتار و حرکت علامه

بود که خستگی سفر از قم به تهران را با ضعف جسمانی در شرایط خاص به جان خرید. در نتیجه می‌توان گفت، از جمله وقایع جالب و علمی حیات فکری علامه، دیدار و جلسات با پروفسور هانری کربن، و آمدن او از فرانسه به ایران و ملاقات در قم و تهران بود. مرحوم آقای صائینی از شاگردان علامه نقل می‌کرد که بنده در بیشتر یا برخی از این جلسات حضور می‌یافتم و از قم همراه علامه به تهران می‌رفتم. علاوه بر ایشان آقای دینانی و مرحوم آقای دکتر احمد احمدی نیز در این رفت و آمد همراه و همسفر علامه بوده و در جلسات شرکت می‌کردند. این ملاقات‌ها موجب شکل‌گیری حلقه فلسفی مهمی در آن دوران شد و سبب اصلی آن حضور و درخواست هانری کربن از علامه بود که این مجلس تشکیل شد. بسیاری از فلاسفه بعدی ایران نزد علامه طباطبایی به فلسفه‌آموزی و مباحث عمیق فلسفی پرداختند.

۶۱

پیش‌گفتار

روش‌شناسی پاسخ به شبهات در اندیشه و آثار علامه طباطبایی رحمته‌الله

کربن فیلسوفی هایدگری بود که در پی شبهات و پرسش‌های بی‌پاسخ خود، در نهایت سر از ایران درآورده بود تا در حضور علامه به‌عنوان مفسر فلسفه شیعی، پاسخ‌هایی برای شبهات و پرسش‌های بی‌جواب خود بیابد. خود کربن اذعان داشت که علامه پاسخ‌های دقیق و قانع‌کننده‌ای به او در این جلسات می‌داده است.

کربن هنگامی که به ایران آمد، با بسیاری از استادان ایرانی ارتباط برقرار کرد. با این حال کربن علاقه مند به ارتباط با استادانی بود که به ادبیات، هنر و فلسفه ایرانی می‌پرداختند و نه افرادی که «روشنفکر» شناخته می‌شدند و غالباً کسانی بودند که مدتی در غرب به تحصیل پرداخته بودند. در همین دوره کربن و جمعی از شاگردان علامه در حضور علامه طباطبایی، حلقه‌ای فلسفی را در تهران تشکیل دادند. جلسات در منزل آقای احمد ذوالمجد طباطبایی که از وکلای شیفته فلسفه الهی بود برگزار می‌شد.

علامه طباطبایی با روش تأویل در معرفت با کربن در جلسات گفت‌وگو کرد که برای کربن شناخته و پذیرفته شده بود. علامه معتقد بود معنویت حقیقی بدون

تأویل غیرممکن است؛ و این افق مشترکی در مقابل آن دو فیلسوف قرار می‌داد که بتوانند با یکدیگر به گفت‌وگو بنشینند. جلسات با حضور غالب استادان ایرانی فلسفه و الهیات مدت‌ها در شمال تهران برگزار می‌شد و بحث‌های پردامنه‌ای در باب فلسفه شیعی در آنجا درمی‌گرفت (فدایی مهربانی، ۱۳۹۱، ص ۵۴-۵۵). ارتباط با اساتیدی چون علامه طباطبایی و سید جلال‌الدین آشتیانی، یکی از مهم‌ترین اتفاقات در زندگی کربن بود؛ چرا که او معتقد بود اینان ادامه‌دهندگان همان حکمت الهی‌ای هستند که از ایران باستان تاکنون چراغ آن در ایران خاموش نگشته است. از نظر کربن تفکر ایرانی نگهبان و حافظ میراثی است که فراتر از یک نگرش ملی محدود، همچون یک عالم معنوی است که در آن میهمانان و زائرانی که از نقاط دیگر آمده‌اند مورد پذیرایی قرار گرفته‌اند (کربن، ۱۳۸۲، ص ۳۵) کربن عمیقاً اعتقاد داشت که حکمت ایرانی - اسلامی، حکمتی زوال‌ناپذیر است و همواره از «استعداد زوال‌ناپذیر روحیه ایرانی» سخن می‌گفت (یحیی، ۱۳۸۵، ص ۸۹).

جلسات علامه با کربن حدود ۲۰ سال (۱۳۷۸-۱۳۹۹ق) با حضور جمعی از اهالی فلسفه و برخی از شاگردان تشکیل و در آن مباحث اساسی دین و فلسفه و... مطرح می‌شد (طباطبایی، ۱۳۷۸، ص ۱۳ و ۱۴). به نقل از سید حسین نصر چنین جلساتی در چنین سطحی و با افقی وسیع در جهان اسلام آن روز بی‌نظیر بوده است؛ حتی می‌توان گفت که از دوره قرون وسطی که تماس فکری و علمی نزدیک بین اسلام و مسیحیت قطع شد، چنین تماسی بین شرق اسلامی و غرب حاصل نشده بود که علامه طباطبایی آن را برقرار نمود (حسینی طهرانی، ۱۴۲۶، ص ۷۸؛ شمس، ۱۳۸۷، ص ۲۱۴ و ۲۱۵). علامه با روشن‌بینی و چشم‌انداز سده حاضر این مجالس را برگزار کرد و نتایج بی‌شماری از آن گرفت؛ از جمله اینکه با شبهات فکری غرب درباره اسلام از نزدیک و بدون واسطه و

کمترین واسطه آشنا شد و این برای علامه مهم بود؛ چرا که به نمایندگی ای از مکاتب فکری و فلسفی و عرفانی غرب، اسلام واقعی را معرفی کرد. مرحوم علامه در پاسبانی از باورهای دینی مردم و دفاع از حریم دین کارهای بزرگی انجام داد و آثار متنوعی تولید کرد؛ و روش‌های دیگری نیز به صورت عملیاتی انجام داد که در این مجال به طیف‌بندی و دسته‌بندی اقدامات این حکیم الهی به اجمال اشاره می‌شود:

الف) تولید فکر و اندیشه با پشتوانه متون عقلی

علامه طباطبایی برای پاسخگویی به شبهات در زمینه آفرینش فکر و اندیشه، با الهام از قرآن و مکتب اهل بیت علیهم‌السلام و روش انبیای الهی به متون عقلی و استدلالی توجه ویژه کرد و به تولید فکر و اندیشه براساس منابع عقلی همت کرد؛ در این زمینه تدریس و رویکرد خاص به متون فلسفی علما و دانشمندان سلف داشت و کتب و مطالبی که از حوزه نجف و علمای مکتب نجف آموخته بود را به حوزه قم و حوزه‌های ایران منتقل کرد. قبل از علامه در قم به صورت جدی علوم عقلی طرفدار نداشت؛ علامه با این ابداع حوزه قم را در پاسخگویی به نیازهای فکری و علمی جامعه غنا و استقلال بخشید. در حوزه تهران حکمایی بودند که در این زمینه افکار و آرای داشتند، اما در حوزه علمیه قم غیر از ایشان و حضرت امام کسی با جدیت به این منابع تا این دوره نپرداخته بود؛ به شکلی که تدریس این دروس رونق بگیرد و به نیازهای جامعه و مذهب و دین پاسخ دهد و در این راستا تولید فکر و اندیشه کند. بنابراین علامه ضمن طرح مباحث عقلی، حتی مباحث علوم غریبه و علوم فراموش شده در حوزه، از جمله هیأت و نجوم و ریاضیات و هندسه نیز به تولید محتواهای فکری همت کرد. علم فلسفه و علوم عقلی در این دوره اساس تولید فکر به‌شمار می‌آید که علامه در این راستا مجاهدت کرد و همه همت و جاهت خود را برای احیای علوم عقلی که مولد اندیشه و تفکر در حوزه علمیه قم بود

به کار بست و گرنه او در فقه و اصول در سطح عالی صاحب نظر بود؛ اما ایثار کرد و از خود گذشت تا جایی که عده‌ای به خاطر تدریس فلسفه و علوم عقلی به او توهین کرده و مدتی درسش را تعطیل کردند (خاطرات شاگردان).

ب) تولید محتواهای روزآمد با تکیه بر متون دینی و خلق آثار و پاسخ به شبهات در پاسخگویی به شبهات و تبیین و تولید اندیشه دینی و دین‌محور، یکی از اقدامات مؤثر و مهم تولید محتواهای غنی و تحلیلی عقلانی است؛ داشتن محتوای غنی بهترین پشتوانه عقلی و فکری در پاسخگویی به شبهات در هر زمان بوده است؛ علامه در این عرصه با استفاده از نوآوری‌های علمی جدید به روزآمد کردن متون فلسفی و کلامی پرداخت و در این راستا ضمن پاسخگویی به شبهات دینی به تولید کتاب‌های مهمی چون *بدایة الحکمه و نهایة الحکمه* پرداخت؛ تولید محتواهای گران سنگ و بی نظیر با نظم و منطق عقلانی مقبول و متعادل براساس متون دینی استوار و محکم و بازنگری در متون و تنقیح منابع دینی (نمونه‌اش کتاب *بحار الانوار* بود که علامه به آن نظری ویژه داشت و شرح و تبیین روایات بحار را لازم می‌دانست) و تنزیه آنها از تحریفات و تشریح متون صعب و سخت و شرح مفصل این منابع و متون و تألیف کتاب‌های وزین علمی چون *تفسیر المیزان* از جمله برنامه‌های ایشان بود.

در پاسخگویی به شبهات مارکسیسم و توده‌ای‌ها و دیگر مکاتب منحرف کتاب *اصول فلسفه و روش رئالیسم* را نوشت که مارکسیست‌ها را از نظر فکری مجاب نمود؛ *تفسیر المیزان* یکی از قویم‌ترین تفاسیر قرآن در جهان اسلام است که علامه در این کتاب ضمن تفسیر قرآن به روش خاص قرآن به قرآن که در گذشته کم‌رنگ بود این روش را رونق داد و شبهات فراوانی را پاسخ داد؛ از جمله پاسخ به شبهات طبعیون و مادیون (طباطبایی، ۱۴۱۷، ص ۴۷) هم چنین درباره نبوت به تشریح نبوت و مراحل و مراتب وحی پرداخته است (موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ص ۲۲۳) علامه در *المیزان* به

شبهات مفسرینی همچون رشیدرضا و آلوسی و از متقدمین فخررازی پاسخ داده است. علامه به شبهاتی که فخررازی و آلوسی نتوانستند پاسخ صحیح دهند نیز پاسخ داده است. آلوسی از فخررازی نقل می‌کند که اگر اولین و آخرین جمع شوند به این چند شبهه نمی‌توانند پاسخ دهند؛ علامه ضمن پاسخ به این شبهات می‌فرماید نیاز نیست اولین و آخرین جمع شوند. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ص ۴۵-۵۴)

ج) جریان‌شناسی شبهه و شناخت شبهه

یکی از روش‌های مبدعانه علامه این است که علاوه بر پاسخگویی شبهات، به جریان‌شناسی شبهات نیز پرداخته و پس از شناخت و شناساندن شبهه‌گران به شبهات آنان پاسخ داده است؛ (طباطبایی، ۱۴۱۷، ص ۲۵۴) جریان‌شناسی شبهه، بخش مهمی از پاسخ به شبهات است. وقتی هویت شبهه‌گر باز شناسانده شود، بخش بزرگی از شبهه پاسخ داده شده است؛ باطل کردن و خشکاندن ریشه شبهه یکی از راه‌های اصلی مقابله با شیوع شبهه و نجات دادن دیگران از افتادن به دام شبهات است. علامه معیارهایی در جریان‌شناسی شبهه داشت که آن معیارها را از قرآن می‌گرفت.

د) تربیت شاگردان متبحر در متون عقلی و متخصص در پاسخگویی به شبهات

علامه دین اسلام را دینی مطابق با فطرت و عقلانیت می‌دانست؛ و در این زمینه صریحاً سخن می‌گفت:

اسلام دینی است که احکامش را بر اساس ویژگی‌های انسان و در راستای ارضای غرایز و فطریات وی بنیان نهاده و در عین حال، در تنظیم و پی‌ریزی احکام و قوانینش عقل محور است و احساسات و عواطف را بر آن اساس مورد توجه قرار می‌دهد... اسلام به جامعه بشری نمی‌گوید من خیر و صلاح شما را در پیروی از دعوت من و به کار بستن مواد آن می‌بینم، شما نیز به تشخیص من ایمان آورده و آن را بپذیرید، بلکه

می‌گوید از هوس‌بازی و خرافه‌پرستی دست بردارید، آنچه را واقعاً و حقاً صلاح و خیر جامعه شما در آن است و به حسب فطرت خدادادی، خیر و صلاح بودن آن را درک می‌کنید و تشخیص می‌دهید، به کار بندید و بالاخره اسلام، اعتقاد حق و عمل حق است، نه اسم یک سلسله اعتقادات و اعمال که کورکورانه بایست به حقانیت آنها ایمان آورد. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ص ۲۹۰ و ۱۵۹)

میراث مکتب، دین، پایداری عقیده، باور، زنده بودن و ماندن آن به یک عمل اساسی بسته است و آن تربیت حاملان فکر و اندیشه و تربیت شاگردان بزرگ است؛ استمرار فکر و اندیشه بدون تربیت باورمندان به این فکر، مساوی با مرگ این اندیشه است؛ بنابراین برای پایداری و انتقال اندیشه و فکر و مکتب، باید شاگرد تربیت کرد؛ در نتیجه علامه به خوبی بر این مسئله وقوف داشت که بدون تربیت شاگردان متخصص نمی‌توان به شبهات پاسخ داد؛ بنابراین این مرد وارسته با الهام از مکتب اهل بیت علیهم‌السلام همچون امام صادق علیه‌السلام و امام باقر علیه‌السلام که زراه‌ها و هشام بن حکم‌ها را تربیت کردند، به تربیت این طیف بر اساس عقلانیت فلسفی پرداخت. این بُعد از تلاش علامه نیز بسیار تحسین‌برانگیز است. شاگردانی تربیت کرد که در پاسخ‌دهی به شبهات و تأمین نیازهای فرهنگی و دینی هریک از آنها از نوادر تاریخ عصر غیبت بلکه از صدر اسلام تاکنون بودند؛ شاگردان بزرگ علامه در دوره حیات و حضور ایشان در حوزه علمیه قم، آن را غنا بخشیدند و در اوج قله‌های علمی نشاندهند. از شاگردان اولیه می‌توان از حضرات آیات سید محمد عزالدین زنجانی، سیدجلال الدین آشتیانی و ابوطالب تجلیل یاد کرد.

تفسیر قرآن به قرآن، روشی است که این حکیم بزرگ در عصر حاضر معرفی کرد و شاگردانی بر همین شیوه تفسیری تربیت نمود. از جمله شاگردانش شهید مرتضی مطهری است که جامع علوم عقلی و نقلی و از اصحاب خاص علامه بود، که در نبوغ و پیشتازی و پاسخ به شبهات روز همگام با استادش مجاهدت‌های زیادی کرد. آن مرحوم در دانشگاه و مراکز علمی روشنفکری با شهامت تمام حاضر شده و بسیاری از شبهات

دینی را در سخنرانی‌ها و کرسی تدریس در کلاس‌ها پاسخ داد. در عرصه‌های مختلف فلسفی، کلامی، تاریخی، سیاسی و... شهید مطهری نمونه و اسوه خاص بود که علامه نیز به ایشان علاقه وافر داشت و در پاسخگویی به مارکسیست‌ها و در تدوین کتاب روش رئالیسم به استادش کمک کرد؛ مرحوم آیه‌الله صائنی زنجانی که عمری در روشنگری نسل جوان مردم زنجان کوشش کرد، با اشاره و توصیه علامه در شهر زنجان مستقر شد و به تبلیغ دین و پاسخ به شبهات با پشتوانه عقلی تلاش فراوان کرد (حسنلو، ۱۳۸۷، ص ۱۷۴). آیه‌الله جوادی آملی نیز از این روش تفسیری استادش پیروی کرده و آن را رونق و بسط داد؛ ایشان نیز ضمن تفسیر کامل آیات قرآن همچون استاد خود به شبهات انبوهی از خاورشناسان و وهابیون و غیره پاسخ داده است.

علامه به شبهات مستشرقان و مفسران اهل سنت و دیگر نحله‌های فکری که به دین وارد می‌کردند در میزان پاسخهای خوبی داده است (موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ص ۳۲۶). مرحوم آیه‌الله حسن زاده آملی نیز از جمله شاگردان میرز ایشان بود که ضمن تدریس علوم عقلی و پاسخ به شبهات در آثار علمی و عرفانی به حفظ راه و روش علامه کمک کرد؛ از جمله شاگردان دوره‌های بعد می‌توان از مرحوم آیه‌الله مصباح یزدی یاد کرد که در پاسخگویی به شبهات عصر حاضر پیشگام و جهادگر نمونه بود.

ه) پاسخگویی به شبهات

علامه در پاسخگویی به شبهات نیز دارای ضابطه و روش بود؛ و شبهه‌گران را نیز که به شبهات آنان پاسخ می‌داد طیف‌بندی کرده بود. شبهه‌گران معاصر علامه را می‌توان این‌گونه دسته‌بندی کرد:

۱. مادی‌گرایان منکر توحید و الوهیت؛

۲. توده‌ای‌ها و مارکسیست‌ها؛

۳. مستشرقان و خاورشناسان؛
۴. ملی‌گرایان و روشنفکران؛
۵. وهابیون و جریان‌های تکفیری؛
۶. برخی مفسران و دانشمندان اسلامی (از فخررازی تا آلوسی و رشیدرضا)؛
۷. سایر شبهه‌گران و سؤال‌کنندگان از مردم یا اشخاص معروف مذهبی.

علامه ضمن تفکر و اندیشه و اشراف خاص به زمانه خود، پاسخ‌دهی به شبهات را نیز با روش خاص پیش می‌برد تا پوشش کامل برای همه مناطق برقرار باشد و باورهای مردم، دانشجویان و اقشار فرهنگی که مستقیماً و سریع‌تر از بدنه جامعه در معرض شبهه بودند، زیر چتر حمایتی قرار گیرند. این مهندسی فکری علامه در پاسخ‌دهی به شبهات نیز برگرفته از سیره اهل بیت علیهم‌السلام بود.

و) طیف‌بندی و مهندسی پاسخ‌دهی به شبهات

مرحوم علامه گاهی خود مستقیماً وارد مکاتبه می‌شد و آثار و رساله‌های مستقل تولید می‌کرد که در ادامه مقاله به ذکر نام این رساله‌ها پرداخته می‌شود؛ این شیوه و روش را در چند قالب انجام می‌داد:

- گاهی بدون ذکر نام افراد شبهه‌گر یا گروه‌های شبهه‌گر شبهات را پاسخ می‌داد؛
- گاهی نیز نام افراد یا گروه‌ها همانند مارکسیست‌ها در آثار مکتوب یا پاسخ‌های حضوری به خاطر اهمیت موضوع ذکر می‌شد؛
- گاهی علامه به سؤالات مردم عادی که از طرق مختلف به دستش می‌رسید پاسخ می‌داد که این آثار جمع‌آوری شده و در قالب کتاب موجود است (رخشاد، ۱۳۸۲، ص ۷۲۷)؛
- گاهی علامه مجالس پاسخ چهره‌به‌چهره با مردم برگزار می‌کرد؛ از جمله این جلسات که در جمع شاگردان برگزار می‌شد، جلسات پنجشنبه و جمعه بوده

است (رخشاد، همان، ص ۶).

روش دیگر علامه در پاسخ به شبهات مأمور کردن و میدان دادن به شاگردان و اعزام و هدایت آنها برای پاسخگویی به شبهات بود؛ گاهی خود علامه در پاسخگویی اقدام می کردند و به گفت و گوها وارد می شد، گاهی در منازل کمونیست‌ها حضور می یافت و گاهی نشستها و جلسات خصوصی برگزار می کرد؛ از جمله جلسات گفت و گو با هانری کربن یا حضور علامه در گفت و گوهایی که برای روشنگری برخی از مارکسیست‌ها و روشنفکران بود.

یکی از نمونه‌های بارز اقدام عملی و جدی این حکیم و عارف بزرگ در مقابل شبهات مارکسیست‌ها و ماتریالیست‌ها موقعی است که در سال ۱۳۲۸ یا ۱۳۲۹ ش کتابی از سفارتخانه آمریکا به نام «نگهبانان سحر و افسون» در خصوص مادی‌گرایان منتشر شد. هدف از انتشار این کتاب ضربه به حوزه علمیه، دین، باورهای مردم و فاصله انداختن بین مردم و روحانیت بود که این مسئله سبب شد که مرحوم علامه جمعی از شاگردان خود از جمله شهید مطهری و بهشتی را برای پاسخگویی به این شبهات بزرگ و بنیادین بسیج کرد و آنها برای مطالعه، کتاب‌های مادی‌گرایان را گرد آوردند و با تأمل در این شبهات با تدبیر و برنامه‌ریزی ضمن اینکه در مراکز دانشگاهی برای پاسخگویی حضور یافتند، کتاب‌های متعددی در راستای پاسخگویی به شبهات از جمله کتاب فلسفه اسلامی را نوشتند. شهید مطهری با رهنمود علامه در مراکز دانشگاهی حضور یافت و به شبهات منتشر شده و مطرح توده‌ای‌ها و مادی‌گرایان و ملی‌گرایان ضداسلامی در بین دانشجویان و اساتید دانشگاه پاسخ داد. شهید مطهری نیز از طرف علامه گاهی برای گفت و گو و پاسخ‌دهی در مراکز علمی حضور می یافت. شاگردان دیگر علامه نیز همانند مرحوم آقای احمدی و آقای دینانی در مراکز علمی با مشورت و هدایت علامه حاضر می شدند. بنابراین یکی از خدمات بزرگ علامه به مکتب و دین در پاسخگویی به شبهات، تربیت افراد زبده و مسلط به علوم عقلی و فلسفی در

پاسخگویی به شبهات بود که در شهرهای مختلف این شاگردان حضور داشتند. آیه‌الله صائنی از جمله این زبندگان بود که در استان زنجان به تبیین معارف دین و زدودن شبهات قشر فرهنگی کشور همت کرد. این دانشمند علوم عقلی که از شاگردان برجسته علوم عقلی و تفسیری علامه بود، با اشاره علامه به شهر زنجان هجرت کرد و مستقر شد و از جوانی به پاسخگویی و تبیین در عرصه دین همت کرد؛ رهبری معظم در مسافرتی که سال ۱۳۸۶ به زنجان داشت، از آن مرحوم و خدمات علمی‌اش یاد کردند (حسنلو، ۱۳۹۸، ص ۱۴۰). جلسات تفسیر ادعیه و تفسیر قرآن از زمان حضورشان در زنجان تا پایان عمر استمرار داشت. خدمات فرهنگی فراوانی از این ناحیه در این شهر با حضور آن مرحوم به وجود آمد که در پیروزی انقلاب اسلامی و آگاهی بخشی مردم نیز تأثیرات بسزایی داشت (حسنلو، همان، ص ۱۴۰-۱۴۱).

نگاهی به رئوس شبهاتی که در المیزان پاسخ داده شده است:

۱. پاسخ به شبهه وهابیت در مورد توسل به معصومین و اولیاءالله (علیهم‌السلام) و اظهار محبت به ایشان (موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ص ۴۳۶)؛
۲. پاسخ به شبهه تناسخ (موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ص ۴۲۹)؛
۳. پاسخ به شبهات مفسرین اهل سنت به ویژه آلوسی در موضوعاتی چون غدیر و جانشینی پیامبر ﷺ، مأموریت اعلام برائت، مباحله و شخصیت امیر مؤمنان علیه‌السلام و جایگاه حضرت در اسلام (موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ص ۲۲۹)؛
۴. پاسخ به شبهات مباحث اجتماعی درباره نبوت و پاسخ به شبهات و اشکالات (موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ص ۲۲۳)؛
۵. پاسخ به کلام راغب اصفهانی در بیان مراد از محکم و متشابه و اقسامی که برای محکم و متشابه قائل است (همان موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ص ۶۳)؛
۶. پاسخ به شبهات خاورشناسان در موضوعات مختلف (موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ص ۳۲۶)؛

۷. پاسخ به شبهاتی که درباره احکام فقهی وارد شده است همانند قصاص که یکی از احکام فقهی مهم اسلام است (موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ص ۶۶۰)؛

۸. پاسخ به شبهاتی درباره جنگ‌های صلیبی و دفاع از دین اسلام که اتهام بت‌پرستی به مسلمانان زده شد و دفاع از حضرت مسیح و دین او که ملعبه مادی‌گرایان واقع شد (موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ص ۵۰۶)؛

۹. دفاع از علوم عقلانی همچون منطق و فلسفه و پاسخ به شبهات شبهه‌گران این علوم، مخالفان علم منطق از قدیم‌الایام با رویکردهایی متفاوت، شبهاتی را علیه منطق‌پژوهی وارد کرده و از ناروایی روی آوری به این دانش سخن گفته‌اند. علامه طباطبایی کوشیده است در دفاع از منطق‌پژوهی، پاسخ‌های استواری را در برابر این قبیل شبهات پیش روی نهد. علامه علم مدون منطق را بازتاب طریق فطری فکر و استدلال می‌داند و تصریح می‌کند که بدون استمداد از منطق در معارف حقه اسلامی، حتی یک مسئله را نمی‌توان اثبات کرد. به باور وی حتی معترضان منطق‌پژوهی نیز در شبهات خود نسبت به اشتغال به علم منطق و صدور فتوای ناروایی اشتغال به این علم، چاره‌ای از تمسک به همین طریق فطری ندارند. شبهات معترضان در یک دسته بندی کلی در چهار دسته زیر جای می‌گیرند: شبهات ناظر به فایده علم منطق؛ شبهات ناظر به درستی علم منطق؛ شبهات ناظر به انگیزه‌های ورود، ترجمه و ترویج منطق در جهان اسلام؛ شبهات ناظر به پیامدهای اشتغال به علم منطق. علامه در آثار خود از جمله تفسیر المیزان پاسخ آنها را داده است (موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ص ۴۳۳-۴۲۶؛ همان، ص ۴۵۶).

ز) محوریت دادن به قرآن در پاسخ به شبهات

روش دیگر علامه در پاسخ‌دهی به شبهات، قرآن‌محور بودن است. علامه در پاسخگویی به شبهات ضمن استفاده از روش‌های قرآن در مواجهه و مقابله با شبهات، به آیات قرآن استناد و استدلال می‌کند. علامه معتقد است که قرآن در خشکاندن ریشه شبهات از

بهترین روش‌ها استفاده کرده است: قرآن با استدلال‌های قاطع و براهین نورانی خود انواع تشکیک‌ها و شبهات وارد بر عقاید و معارف حق را از بین می‌برد و .. (موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ص ۱۸۳)؛ بنابراین پاسخ دادن به شبهات در سایه قرآن مهم و برای مردم پذیرفتنی‌تر از دیگر منابع است.

ح) آثار علامه در پاسخ به شبهات

بی‌گمان می‌توان گفت که همه آثار علامه طباطبایی با رویکرد پاسخ به شبهات و نوعاً ضمن پاسخ به شبهات حالت تهاجمی نیز داشته است؛ به این معنا که علامه در ضمن پاسخ، به نقض مبانی دیگران که به مبانی اسلام ایجاد شبهه کرده‌اند، پرداخته است. برخی از آثار علامه با این رویکرد تدوین و تألیف شده است. چنان‌که برخی از روش‌های علمی علامه نیز با این رویکرد تنظیم شده است؛ بنابراین می‌توان گفت علامه با محاسبه دقیق علمی و با برنامه خاصی که ابداع اوست به تلاش و فعالیت علمی می‌پردازد و به شبهات گسترده پاسخ می‌دهد؛ کار و هنر علامه طباطبایی شکستن عرصه تنگ علوم عقلی در حوزه علمیه قم بود که در این راه خود را فدا کرد و با بسیاری که ناقد بودند بلکه موضع تند نیز داشتند، درافتاد. علامه با حکمت، تدبیر و آرامش خاص مخالفت‌ها را پشت‌سر گذاشت؛ اگر نبود این جامعیت و این اخلاص و مجاهدت علامه، بعید نبود سرنوشت و سرگذشت فلاسفه پیشین در پیش روی علامه نیز تکرار شود؛ چنان‌که برای شهید مطهری و دیگران سوبه‌هایی از بی‌مهری نشان داده شد. علامه ضمن دفع شبهات آثار خود را در این زمینه تولید کرد.

در این فرصت به معرفی کوتاه و فهرست‌وار برخی از آثار علامه که در پاسخ به شبهات، رویکرد جدی و نمایان دارد پرداخته می‌شود:

۱. تفسیر المیزان: مهم‌ترین منبع پاسخ به شبهات علامه طباطبایی کتاب المیزان است. پیشگامی علامه طباطبایی در پاسخ به شبهات قرآنی با محوریت قرآن در این اثر

گران‌سنگ نمود یافته است. علامه طباطبایی در این تفسیر شبهات فراوان روز را از توحید و اصول دین تا تمام فروع دین و حتی شبهات مهم تاریخ اسلام و سیره نبوی را پاسخ داده است. روش علامه در المیزان در پاسخگویی به شبهات بر اساس موضوعات آیات قرآن است. در آیات اعتقادی به شبهات کلامی و شبهاتی که درباره علم منطق و فلسفه وارد شده و این علوم را بی‌ثمر دانسته‌اند پاسخ‌های علمی و برهانی کامل داده است. در آیات توحیدی به شبهات مادیون درباره توحید و وجود خالق پاسخ داده است. در آیات مربوط به نبوت به شبهات پیرامون وحی و کیفیت آن، که از سوی شبهه‌گران، تردیدکنندگان و مستشرقان مطرح شده پاسخ گفته است. در آیات مربوط به وقایع تاریخی همانند تاریخ انبیا، جنگ‌های صلیبی، حکمت و تعدد زوجات در سیره نبوی، به شبهات تاریخی و سیره‌ای پاسخ کامل داده است (حسنلو، ۱۳۹۷، ص ۳). در آیات مربوط به احکام و فقه به شبهات این علم مانند حکم قصاص و... پاسخ داده است.

۷۳



۲. اصول فلسفه و روش رئالیسم: یکی از منابع مهم پاسخ به شبهات این اثر است. اصول فلسفه و روش رئالیسم، اثر گران‌سنگ علامه سید محمدحسین طباطبایی به زبان فارسی است که همراه با پاورقی‌های روشنگرانه و نقادانه استاد شهید مرتضی مطهری چاپ شده است. در واقع این کتاب نه تنها حاوی مسائل مهم فلسفه قدیم و جدید، بلکه شامل نوآوری در زمینه فلسفه اسلامی و نقد و بررسی فلسفه غرب و شبهات مادی‌گرایان و مارکسیست‌ها است. این اثر حاصل جلسات علامه با شاگردان بود که آنان را جهت پاسخ به شبهات تعلیم می‌داد و علوم عقلی را برای تجهیز و آمادگی آنان در پاسخ شبهات به فارسی تدریس می‌کرد.

شهید مطهری درباره علل تشکیل این جلسات می‌نویسد:

نشریات روزافزون فلسفی اخیر و توجه جوانان روشنفکر ما به آثار فلسفی دانشمندان اروپا که هر روز به صورت ترجمه یا مقاله و رساله در عالم مطبوعات ظاهر می‌شود و این خود نماینده روح کنجکاو و حقیقت‌جویی این مردم است که از هزارها سال پیش

سابقه دارد و از طرف دیگر انتشارات مجهز به تبلیغات سیاسی و حزبی فلسفه مادی جدید (ماتریالیسم دیالکتیک) بیش از پیش حضرت معظم‌له را مصمم نمود که در راه مقصود خود گام بردارند؛ لهذا از چند سال پیش ابتدا به تشکیل یک انجمن بحث و انتقاد فلسفی مرکب از عده‌ای از فضلا مبادرت کردند و از دو سال و نیم پیش [نگارش این مطالب در ۱۳۳۲ شمسی بوده است] در آن انجمن بنا بر این بود که معظم‌له در خلال هفته قسمت‌هایی تهیه می‌کردند و در جلسات انجمن که در هفته، دو شب به آن اختصاص داده شده بود قرائت می‌شد و هر کسی هر نظری داشت اظهار می‌کرد؛ و اینجانب نیز تا یک سال و نیم پیش که در قم بود افتخار شرکت در آن انجمن را داشت و هنوز هم آن انجمن ادامه دارد (مرتضی مطهری، ۱۳۷۷، ص ۳۹-۳۸).

در این کتاب تمام انحرافات ماتریالیسم دیالکتیک به طور واضح بیان و پاسخ داده شده است؛ از لحاظ اینکه نشریات مربوط به ماتریالیسم دیالکتیک بیش از اندازه در فضای دانشگاهی کشور منتشر شده و افکار عده نسبتاً زیادی از جوانان را به خود متوجه ساخته بود؛ لذا علامه این قضیه را دریافته و به پاسخ آن اقدام جدی نمود (مطهری، ۱۳۷۷، ص ۵۱).

۳. شیعه در اسلام: کتابی است که علامه طباطبایی آن را در پاسخ به درخواست عده‌ای از شاگردان خود از جمله سید حسین نصر و... و برخی از دانشمندان غربی مانند دکتر مورگان آمریکایی برای معرفی شیعه در مغرب‌زمین به زبان فارسی در حدود سال ۱۳۴۵ تألیف کرده است. این کتاب نیز در واقع پاسخ به شبهات متعدد است؛ چراکه اسلام در غرب بیشتر به نام اهل سنت شناخته شده بود؛ بنابراین برخی شاگردان پس از مسافرت به غرب، درخواست نوشته شدن چنین کتابی را کردند. این کتاب در واقع معرفی اعتقادات شیعه به غرب بود و در نوع خود ابتکار و به شیوه علمی، تاریخی و کلامی نوشته شد.

۴. شیعه: مجموعه مذاکرات با پروفسور کربن (بخش اول مذاکرات در سال

۱۳۳۸) این گفت‌وگوها ضمن اینکه تبیین ماهیت تشیع برای هانری کربن بود، پاسخ به شبهات درباره اسلام و مکتب تشیع که در ذهن کربن و دیگر مستشرقان بوده، است.

۵. رسالت تشیع در دنیای امروز: (بخش دوم مذاکرات با هانری کربن در سال ۱۳۴۰ش) این کتاب بخش دوم از گفت‌وگوهاست که ادامه همان محورهاست و در راستای دفع شبهات از مکتب اهل بیت علیهم‌السلام نگاشته شده است.

۶. رساله در حکومت اسلام

۷. رساله در اثبات ذات

۸. رساله در صفات

۹. رساله در افعال

۱۰. رساله در نبوت

۱۱. رساله در ولایت

۱۲. رساله در برهان

۱۳. رساله در مغالطه

۱۴. رساله در تحلیل

۱۵. رساله در ترکیب

۱۶. رساله در اعتباریات

۱۷. رساله در نبوت و منامات

محوریت و هدف همه این رسالات علمی پاسخگویی به شبهات دینی در محورهای مختلف و موضوعات و عناوین خاص است.

۱۸. علی و الفلسفه الالهیه: (به فارسی ترجمه شده است) یکی از کتاب‌های بسیار

مهم علامه طباطبایی است، که در جوانی نوشته است. علامه طباطبایی سعی

در آشتی میان فلسفه و دین داشت و هدفش بیان این نکته اساسی بود که علم،

فلسفه و دین با هم دارای یک بنیان و نهادند و علم و دین با هم منافاتی ندارند.

۱۹. قرآن در اسلام

۲۰. «پاسخ به شبهات تعدد زوجات پیامبر ﷺ»: این مطالب مفصل در المیزان ذیل آیات مربوطه بحث شده است؛ این رساله به جهت شبهات گسترده مستشرقین درباره همسران پیامبر ﷺ جداگانه چاپ شده است.

۲۱. مقالات متعددی که در نشریات گوناگون مانند مکتب تشیع، درس‌هایی از مکتب اسلام، راهنمای کتاب و... به انتشار رسیده است.

نتیجه

علامه طباطبایی به مشکلات علمی موجود بر محور قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام و به شبهات و اندیشه‌ها و افکار منحرف (توده‌ای‌ها و...) که در مقابل دین اظهار وجود می‌کردند پاسخ داده است. بدون مبالغه و گزاف‌گویی وجود شخصیتی چون حکیم الهی علامه طباطبایی در عصر حاضر یکی از معجزات دین اسلام و مکتب اهل بیت علیهم‌السلام است و نشان‌دهنده ظرفیت بالقوه علوم اسلامی و حوزه‌های علمیه در تربیت چنین شخصیت‌هایی است؛ چرا که علامه با دست خالی و بدون حمایت‌های مادی و وابستگی به حکومت و قدرت خاص، توانست کارهای بزرگ انجام دهد و نیازهای علمی دین و خلأهای فراوان زمان حیات علمی عصر را تأمین کند. از همه مهم‌تر با تمام توان علمی به شبهات فراوانی که درباره دین، ارزش‌ها، احکام دین، فقه و علوم دیگر وجود داشت پاسخ داده و از دین و باورهای مردم بدون کمترین تنیدی و تنش صیانت کند. بی‌گمان علامه با کارهای فرهنگی مؤثر و مستمر در این فعالیت‌ها دارای روش و ابتکارات فراوان بوده است. توضیح و تبیین این دستاوردها یک ضرورت علمی برای دانشمندان معاصر است. علامه ضمن اینکه به شبهات موجود به‌طور روشمند پاسخ داد، شبهاتی را نیز پیش‌بینی و پاسخ داد. علامه با تدریس، نوشتن کتاب، تفسیر قرآن و حتی سلوک عرفانی خود (علمی و عملی) به این شبهه که علم و عقل و دین ناسازگارند،

۷۶

پیشرو

سال اول / شماره سوم / بهار ۱۴۰۳

پاسخ متقن داد و مبنای کارهای علمی، فکری و تمام زندگی خود را صرف این راه کرد
و شاگردانی در این مسیر تربیت کرد که این راه را ادامه داده و آشتی بین علم و دین و
عقلانیت را اثبات کنند.

منابع و مآخذ

۱. نویی، ابراهیم (۱۳۹۴). «بررسی شبه‌های مخالفان علم منطق و پاسخ‌های علامه طباطبایی به آنها» (مقاله علمی وزارت علوم)، آینه معرفت، ش ۴۴.
۲. اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان زنجان و دانشگاه زنجان (۱۳۸۶). مجموعه مقالات نخستین همایش علمی پژوهشی جلوه‌های معرفتی در مناظرات و بیانات رضوی.
۳. بونو، یحیی (۱۳۸۵). «در ضیافت عالم معنوی»، مجموعه مقالات همایش بزرگداشت یکصدمین سال تولد هانری کربن، مؤسسه حکمت و فلسفه.
۴. حسنلو، امیرعلی (۱۳۹۸). زنجان‌شناسی، سیمای پارسایان قلعه‌های تهذیب، زنجان: انتشارات آئینه خرد.
۵. حسنلو، امیرعلی (۱۳۸۶). قرآن و معصومان در آئینه علوی، قم: انتشارات مشهور.
۶. حسنلو، امیرعلی (۱۳۹۷). فلسفه تعدد زوجات در سیره معصومان، زنجان: آئینه خرد.
۷. حسینی طهرانی، سید محمدحسین (۱۴۲۶ق). مهر تابان، مشهد: نور ملکوت.
۸. نجاشی (۱۴۱۸ق). رجاء، تصحیح و تعلیق آیه‌الله شبیری زنجانی، قم: جامعه مدرسین.
۹. شمس، مرادعلی (۱۳۸۷). سیری در سیره علمی و عملی علامه طباطبایی از نگاه فرزندان.
۱۰. رخشاد، محمدحسین (۱۳۸۲). در محضر علامه، قم: انتشارات سماء قلم.
۱۱. شیخ مفید، محمد بن نعمان (۱۴۱۳ق). الإرشاد فی معرفه حجج اللّٰه علی العباد، قم، آل‌البیت علیهم‌السلام.
۱۲. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن، قم: جامعه مدرسین.
۱۳. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷). شیعه در اسلام، چاپ سیزدهم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۴. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۸۷). اصول فلسفه رئالیسم، قم: مؤسسه بوستان کتاب.
۱۵. طباطبایی سید محمدحسین (۱۳۹۰) علی علیه‌السلام و فلسفه الهی، ترجمه سید ابراهیم سیدعلوی، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۱۶. فدایی مهربانی، مهدی (۱۳۹۱). ایستادن در آن سوی مرگ، پاسخ‌های کربن به هایدگر از منظر فلسفه شیعی، تهران، نشر نی.
۱۷. کربن، هانری (۱۳۸۲). روابط حکمت اشراق و فلسفه ایران باستان، انتشارات اساطیر.
۱۸. مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی؛ انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران، وزارت فرهنگ و آموزش عالی (۱۳۶۳). دومین یادنامه علامه طباطبایی، سمینار بزرگداشت علامه طباطبایی، تهران.
۱۹. مطهری، مرتضی (۱۳۷۷). مجموعه آثار، ج ۶ (اصول فلسفه و روش رئالیسم)، تهران: صدرا.
۲۰. موسوی همدانی، سید محمدباقر (۱۳۷۴). ترجمه المیزان، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.